

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه : ضیائی، محمد، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام بیدآور : وقف کلیدی در دست نیکان/ نویسنده سیدمحمد ضیایی ؛
[به سفارش] معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی [آستان قدس رضوی].

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

فروست : رهنما؛ ۹۳.

شابک : 978-600-299-077-8

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

بادداشت : واژه‌نامه.

بادداشت : کتابنامه.

موضوع : وقف

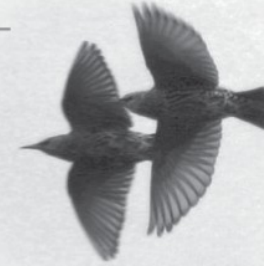
شناسه افزوده : آستان قدس رضوی ، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره : BP/۱۹۲BP/۱۳۹۱۲/۷و۹ض/

رده بندی دیوبی : ۲۷۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۵۴۶۱۳



۹۳ → وقف؛ کلیدی در دست نیکان

نویسنده: سیدمحمد ضیایی

آستان قدس رضوی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

نشانی: حرم مطهر امام‌رضا(ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی و اطلاع‌رسانی

تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به‌کوشش محمدحسین پورامینی

ویراستار: محمد مهدی باقری

طراح جلد: علی بیات

طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



وقف؛ کلیدی در دست نیکان

- به قصد ارائه پاسخ‌هایی سراسر است و مفید به پرسش‌های زیر، نوشته پیش رو گرد آمده است:
۱. چرا پیش از وقف کردن، واجب است احکام ریزودرشت آن را بدانیم؟ آیا ریشه ترس از وقف در میان برخی از ما، همین ناآگاهی‌ها از احکام و لوازم و نتایج آن است؟
 ۲. وقف بر چه ارکانی استوار است و شرایط صحت آن چیست؟
 ۳. خواندن صیغه عربی و قصد قربت و قبول کردن وقف و در اختیار گرفتن مال وقف شده لازم است؟
 ۴. انواع وقف چه تفاوت‌هایی با هم دارند و چه نتایجی بر هر کدامشان بار می‌شود؟
 ۵. تغییر ارکان وقف ممکن است؟ چگونه؟ متولی در فرایند اداره مال وقف شده چه کارهایی باید انجام دهد؟



درآمد

حاج آقا افشار را در حرم مطهر امام رضا علیه السلام ملاقات کردم. حدود پنجاه سال داشت؛ اما شکسته تر به نظر می آمد. با رویی خندان و لحنی بسیار متواضعانه پرسید: «حاج آقا می توانم مسئله ای از شما بپرسم؟» گفتم: «بفرمایید در خدمتم.» این گونه گفت: «حدود بیست سال پیش، خانه ای در مشهد خریدم. آن را خراب کردم و از نو، چهار طبقه ساختم؛ به این منظور که از یک طبقه آن خودم استفاده کنم و سه طبقه دیگر را در اختیار خویشاوندان و دوستان و زائران حضرت رضا قرار دهم. این را به صورت وقف در آوردم و الان مشکلاتی پیدا کردم. نه اینکه از اصل این کار پشیمان باشم؛ اما...»

لحن کلام آقای افشار بسیار مضطرب بود: از سویی، دوست داشت این مطلب را به من بقبولاند که دنیا او را فریب نداده است و نمی خواهد بعد از بیست سال، از وقف خود، منصرف شود و آن را به ملک خودش برگرداند. از سوی دیگر، نمی دانست چگونه سؤالش را مطرح





کند که این باور نادرست برای من پیش نیاید. گفتم: «حاج آقا، شما سؤالتان را مطرح کنید، من هم سعی می‌کنم جوابش را اگر می‌دانستم به شما بگویم. مهم نیست، خودتان را خیلی اذیت نکنید. ان شاءالله راه‌حلی برای آن پیدا می‌کنیم.» با این قرص مسکن من، کمی آرام‌تر شد و راحت‌تر به صحبت خود ادامه داد.

خسته‌تان نکنم. نتیجه‌ای که از این گفت‌وگو گرفتم، این بود که بسیاری از نیکان جامعه دوست دارند کار خیری انجام دهند؛ اما از عواقب آن می‌ترسند. این ترس بجاست؛ چون بسیاری مواقع، آنجا که باید از مسئله‌ای آگاه می‌بودند، از آن آگاه نبودند؛ لذا کاری کردند که شاید بعدها از انجام آن پشیمان شدند؛ برای مثال، آقای افشار نمی‌دانست از ابتدا، این حق را داشته است که در وقف‌نامه، برای خود، یک سری شرایط بگذارد. اگر این شرط‌ها را می‌گذاشت، دستش در تغییرات بعدی باز بود و بی‌تردید، دیگر دچار این مشکلات نمی‌شد. گاهی بروز این مشکلات در کار سبب می‌شود دیگران که مشاهده می‌کنند، دیگر به خود

اجازه انجام دادن کار خیر ندهند؛ در حالی که این ممکن است فقط وسوسه باشد. خوب است در هر کار شرعی، ابتدا مسائل آن را خوب یاد بگیریم که بعداً کمتر با مشکل روبه‌رو شویم. با توفیق خداوند متان، مطالب پیش رو، خوبان و خیران جامعه، به‌ویژه، دوستداران امام‌رضا علیه السلام را در موضوع مهم وقف راهنمایی خواهد کرد.

۱. تعریف وقف

وقف یعنی منافع چیزی مانند زمین، باغ، خانه، مغازه و مانند این‌ها را برای استفاده دیگران قرار دهند؛ به‌گونه‌ای که اصل این‌ها باقی بماند و دیگر قابل خرید و فروش و مبادله نباشد.^۱

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۰؛ خویی و وحید، منهج‌الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۱؛ سیستانی، منهج‌الصالحین، ج ۲، ص ۳۸۸.



۲. اهمیت وقف

در حدیثی معتبر از امام صادق علیه السلام آمده است: «پس از مرگ، اجر و مزدی به کسی نمی‌رسد؛ مگر در سه کار: اول، صدقه‌ای که در زمان حیاتش تداوم داشته است. آن صدقه پس از مرگ نیز همچنان جریان خواهد داشت؛ یعنی ثوابش به او می‌رسد. دوم، راه و روش صحیح را در کار خیری رواج داده است؛ به‌گونه‌ای که بعد از مرگش نیز به آن عمل می‌کنند. سوم، فرزند صالحی که برای او دعا می‌کند.»^۱ روشن است که وقف، یکی از مصادیق عالی صدقه جاریه است و از جمله کارهایی است که سبب می‌شود نامه اعمال حسنه انسان، پس از مرگ، همچنان باز بماند؛ بنابراین ثواب بسیار دارد و از فضیلت آن نباید غافل ماند.

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۰.



۳. ارکان وقف

۱. واقف: کسی است که مالش را با شرایط خاصی که در ادامه بیان خواهیم کرد، وقف می‌کند.
۲. موقوف‌علیهم: شخص یا اشخاصی که از مال وقفی طبق وقفنامه استفاده می‌کنند.
۳. متولی: شخص یا اشخاصی که مسئولیت اجرای مفاد وقفنامه را دارند.
۴. ناظر: کسی که واقف تعیین می‌کند که بر کار متولی در اجرای صحیح وقف نظارت کند.
۵. صیغه وقف: کلامی که واقف می‌گوید برای اینکه وقف تحقق یابد. توضیح آن در زیر خواهد آمد.

۴. شرایط صحت وقف

۱.۴. لزوم خواندن صیغه در وقف

در تحقق و صحت وقف، نیت تنها کافی است یا صیغه هم باید خوانده شود؟

نیت تنها کفایت نمی‌کند؛ بلکه باید صیغه خوانده شود. مثال: «فلان زمین یا مغازه‌ام

را وقف امام رضا علیه السلام کردم» و مانند این‌ها که دلالت بر مقصود کند؛^۱ البته عربی بودن صیغه ضروری نیست.^۲ برخی علما گفته‌اند به عمل هم محقق می‌شود؛ مثلاً بنایی به نیت وقف برای امام رضا علیه السلام بسازد.^۳ همچنین اگر کسی، برای مثال، فرش یا تابلویی، به قصد وقف، به حرم یا موزه امام رضا بدهد، این وقف صحیح است و خواندن صیغه لازم نیست.^۴

۱. وحید، منهاج‌الصالحین، ج ۳، مسئله ۱۱۰۰، ص ۲۶۱؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۱ از کتاب وقف، ص ۶۰؛ سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج ۲، مسئله ۱۴۶۹، ص ۳۹۱؛ مقام معظم رهبری، توضیح‌المسائل مراجع، ج ۲، سؤال ۱۹۹۴، ص ۶۴۱؛ صافی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۰۳؛ گلپایگانی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۳۸.
۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۱ از کتاب وقف، ص ۶۰؛ مقام معظم رهبری، توضیح‌المسائل مراجع، ج ۲، مسئله ۲۶۷۷، ص ۶۳۰؛ سؤال ۱۹۹۴، ص ۶۴۱؛ الاحکام‌الواضحه، ص ۴۳۴؛ صافی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۰۳؛ گلپایگانی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۳۸؛ مقام معظم رهبری، توضیح‌المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۴۱؛ سؤال ۱۹۹۴.
۳. سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج ۲، ص ۳۹۱؛ مسئله ۱۴۶۹؛ خویی و وحید، منهاج‌الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۲، مسئله ۱۱۰۱؛ منهاج‌الصالحین، الاحکام‌الواضحه، ص ۴۳۴، مسئله ۱۹۴۲.
۴. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۳ و ۴، ص ۶۰؛ خویی و وحید، منهاج‌الصالحین، ج ۳، مسئله ۱۱۰۱، ص ۳۶۱؛ استفتائات مقام معظم رهبری، توضیح‌المسائل مراجع، ج ۲، سؤال ۱۹۹۴، ص ۶۴۱؛ صافی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۸۰؛

آیا در وقف مسجد، قصد مسجد بودن شرط است؟ اگر مکانی برای نماز گزاردن و عبادت کردن مسلمانان وقف شود، حکم مسجد را دارد و احکام مسجد بر آن بار می شود؟

بله. برای اینکه مکان وقف شده، مسجد باشد، قصد مسجد شدن شرط است. اگر مکانی به عنوان نمازخانه و محل عبادت وقف شود، چنین وقفی صحیح است؛ اما تا زمانی که مسجد شدن مراد واقف نباشد، احکام مسجد^۱ بر آن بار نمی شود.^۲

۱. احکام مسجد مثل ثواب نماز خواندن در مسجد، حرمت نجس کردن آن، حرمت توقف شخص جنب و حائض در آن و مانند اینها که در احکام مساجد ذکر شده است.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، مسئله ۲، ص ۶۰؛ وحید، منهج، ج ۳، مسئله ۱۱۰۳، ص ۲۶۱؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۴۶۲، ص ۳۸۸؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۳۸؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۰۳.



۲.۴. تعیین موقوف‌علیه

اینکه تعیین موقوف‌علیه در صحت وقف شرط است، به چه معناست؟

اگر مثلاً چنین وقف کند که منافع این ملک بر حرم امام رضا علیه السلام یا مسجد گوهرشاد وقف باشد، یعنی بر یکی از این دو وقف کند، بدون تعیین یکی از آنها، این نوع وقف صحیح نیست؛ بلکه در وقف باید یکی از این دو را معین کند. اگر وقف بر مجموع این دو باشد، صحیح است؛ مانند وقف بر آستان قدس که حرم و مسجد و مانند آن را شامل می‌شود.^۱

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۳۷، ص ۶۸؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۹۰، مسئله ۳۷؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۷، مسئله ۴۸۸؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۲۳، ص ۴۰۴؛ وحید، منهج، ج ۳، مسئله ۱۱۴۶، ص ۲۷۱.



۳.۴. قصد قربت

آیا قصد قربت در وقف، معتبر است؟

حضرت امام و مراجع مشهور می‌فرمایند: «قصد قربت حتی در وقف عام معتبر نیست؛ اگر چه احتیاط بر اعتبار آن در هر وقفی است.»^۱ باید گفت: رعایت این احتیاط خوب است؛ چون به نظر برخی مراجع باید قصد قربت کند.^۲

۱. تحریر، ج ۲، مسئله ۷، ص ۶۱؛ وحید، منهج‌الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۳؛ منهج، ج ۲، مسئله ۱۴۷۱، ص ۳۹۱؛ فاضل، الاحکام‌الواضحه، ص ۴۳۵، مسئله ۱۹۴۵؛ صافی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۸۳، مسئله ۷.

۲. توضیح‌المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۳۲، ذیل مسئله ۲۶۷۹؛ نظر آیت‌الله زنجانی و آیت‌الله گلپایگانی بنابر احتیاط واجب در هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۴۱، مسئله ۴۵۹.



۴.۴. توکیل در وقف

آیا در وقف توکیل جایز است؟ یعنی شخص می‌تواند به دیگری وکالت دهد چیزی را از طرف او وقف کند؟

اشکال ندارد.^۱ بنابراین شخص خیریه که دوست دارد ملک خود را وقف کند و در این زمینه سررشته ندارد، می‌تواند شخص مطمئنی را از طرف خود وکیل کند تا وقف‌نامه را تنظیم و ملک را وقف کند.

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۵، ص ۶۱؛ سیستانی، منهاج، ج ۲، مسئله ۱۴۸۱، ص ۳۹۲؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۲، مسئله ۵؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۰، مسئله ۴۵۷.

۵.۴. قبول موقوف علیهم

آیا در صحت وقف بر جهات عمومی و عام المنفعه، قبول معتبر است؟ در وقف بر افراد خاص چطور؟

بنابر نظر حضرت امام و بسیاری مراجع تقلید، در وقف بر افراد خاص و همچنین وقف بر جهات عمومی، قبول، معتبر نیست؛ ولی احتیاط آن است که در وقف عام و همچنین در وقف خاص، قبول را رعایت کنند. بله، برخی مراجع، بنابر احتیاط واجب، قبول را شرط می‌دانند.^۱ روشن است که این مسئله از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چراکه گاه اشخاص، وقف یا حتی

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۶، ص ۱۱۱؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۴۷۰، ص ۳۹۱؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۶۳، مسئله ۱۱۰۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ذیل مسئله ۲۶۷۷: بنابر احتیاط واجب (آیت الله اراکی) و احوط اولی در وقف عام (آیات عظام گلپایگانی و صافی) قبول هم لازم است و در وقف عام حاکم شرع قبول کند. آیات عظام گلپایگانی و صافی و بهجت: بنابر احتیاط واجب، در وقف خاص، قبول معتبر است.

وصیت به وقف کرده‌اند؛ اما از ناحیهٔ موقوف‌علیهم به علل مختلف آن را نپذیرفته‌اند. برای مثال، شخصی باغ خود را بر اولاد وقف کرده است؛ اما هیچ‌یک از فرزندان او به این دلیل که دیگر از مال موقوفه (باغ وقف‌شده) ارث نمی‌برند، این وقف را قبول نکرده‌اند. در اینجا، به نظر حضرت امام رحمته‌الله قبول نکردن وقف از سوی فرزندان، در صحت آن، تأثیری نمی‌گذارد و وقف صحیح است؛ یعنی فرزندان، پس از فوت پدر، از باغ ارث نمی‌برند و آن باغ ملک آنان نمی‌شود. فرزندان صرفاً می‌توانند تا زمان حیات، از آن به‌عنوان موقوف‌علیهم استفاده کنند. اما به نظر برخی دیگر از مراجع، اگر هیچ‌یک از موقوف‌علیهم، آن را قبول نکردند، وقف باطل است؛ لذا جزء ماترک میّت است و از آن ارث می‌برند. این نکته در شرط بعد (قبض) نیز حائز اهمیت است؛ لذا افراد باید به فتوای مرجع تقلید خود توجه کنند.



۶.۴. قبض (در اختیار گرفتن)

۱.۶.۴. قبض در وقف خاص

آیا برای اینکه وقف بر افراد خاص، مانند اولاد، صحیح باشد، رساندن به دست آنها (قبض) شرط است؟

در صحت وقف بر افراد خاص، قبض شرط است. اگر مثلاً وقف بر اولاد باشد، طبقه اول که قبض کنند، کفایت می‌کند و لازم نیست طبقات بعدی نیز قبض کنند (اجماع).^۱

۲.۶.۴. قبض در وقف عام

۱. امام خمینی، تحریر، ج ۲، مسئله ۸، ص ۶۲؛ وحید، منهج، ج ۳، مسئله ۱۱۰۶، ص ۲۶۳؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۴۷۲، ص ۳۹۱؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۳، مسئله ۸؛ فاضل، الاحکام الواضحه، ص ۴۳۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، مسئله ۲۶۸۰.

قبض در وقف عام، معتبر است؟ اگر معتبر است، چه کسی باید قبض کند؟

در این مسئله، فتواها مختلف است که به دلیل اهمیت هریک، آن‌ها را به تشریح بیان می‌کنیم: برخی فرموده‌اند در وقف عام، قبض معتبر است. قبض به چند صورت است: ۱. گاه وقف عام، مثل مسجد، وقف بر جهات و مصالح عام‌المنفعه است. در این صورت، اگر واقف متولی را تعیین کرده باشد، متولی یا حاکم شرع می‌توانند قبض کنند و بنابر احتیاط، متولی قبض کند. اگر متولی را تعیین نکرده باشد، حاکم شرع باید قبض کند. ۲. گاه وقف بر عناوین کلی است؛ مثل وقف برای فقرا که قبض در اینجا با در اختیار گذاشتن مال وقفی به برخی فقرا برای استفاده از آن، تحقق می‌یابد.^۱ بنابر احتیاط واجب، قبض معتبر است که یا باید

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۲، مسئله ۸؛ هدایة العباد، آیت‌الله صافی ج ۲، ص ۱۸۳، مسئله ۸؛ هدایة العباد، آیت‌الله گلپایگانی، ج ۲، ص ۱۴۱، مسئله ۴۶۰؛ همچنین حضرت امام در توضیح المسائل و آیت‌الله گلپایگانی در هدایة العباد فرمودند: همین که یک نفر در آن مسجد نماز بخواند، وقف درست می‌شود (توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۸۱) و آیت‌الله گلپایگانی فرمودند:

در تصرف متولی باشد یا با اجازه واقف، کسی در مسجد به عنوان مسجدبودن نماز بخواند.^۱
 در اوقاف عامه، قبض معتبر نیست و وقفیت، به مجرد وقف کردن محقق می شود؛^۲ هر چند
 احوط است. همین که برای آن، متولی تعیین کنند، کفایت می کند و بدون تعیین متولی،
 وقف مسجد صحیح نیست.^۳

حتی اگر متولی متوجه نشود یا اذن ندهد.

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۳۴، م ۲۶۸۱.

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۲ ص ۶۳۴، م ۲۶۸۱؛ منهاج الصالحین، خویی و وحید ج ۲، ص ۲۶۴، م ۱۱۱۱؛ وحید،
 توضیح المسائل، ص ۵۲۸ م ۲۷۴۵.

۳. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۳۴، م ۲۶۸۱.



۳.۶.۴. فوریت در قبض

آیا ضرورت دارد پس از اینکه واقف مالش را وقف کرد، بلافاصله، موقوف علیهم آن را در اختیار بگیرند یا بعد هم می‌توانند این کار را انجام دهند؟
در قبض کردن وقف و به‌اختیارگرفتن آن، فوریت شرط نیست.^۱

۷.۴. دوام در وقف

آیا دوام در وقف شرط است؟

بله. در وقف، دوام به‌معنای اینکه برای مدتی معین نباشد، شرط است؛ پس اگر شخص بگوید: «این باغ را برای دادن خرجی به زائران در راه‌مانده امام رضا علیه‌السلام برای مدت پنج سال

۱. این مسئله اجماعی است: تحریر الوسیله امام، ج ۲، مسئله ۱۳، ص ۶۲؛ سیستانی، منهج، ج ۲، م ۱۴۷۷، ص ۳۹۲؛ وحید، منهج، ج ۳، م ۱۱۰۶، ص ۲۶۳؛ هدایة العباد، آیت‌الله صافی، ج ۲، ص ۱۸۰؛ هدایة العباد، آیت‌الله گلپایگانی، ج ۲.



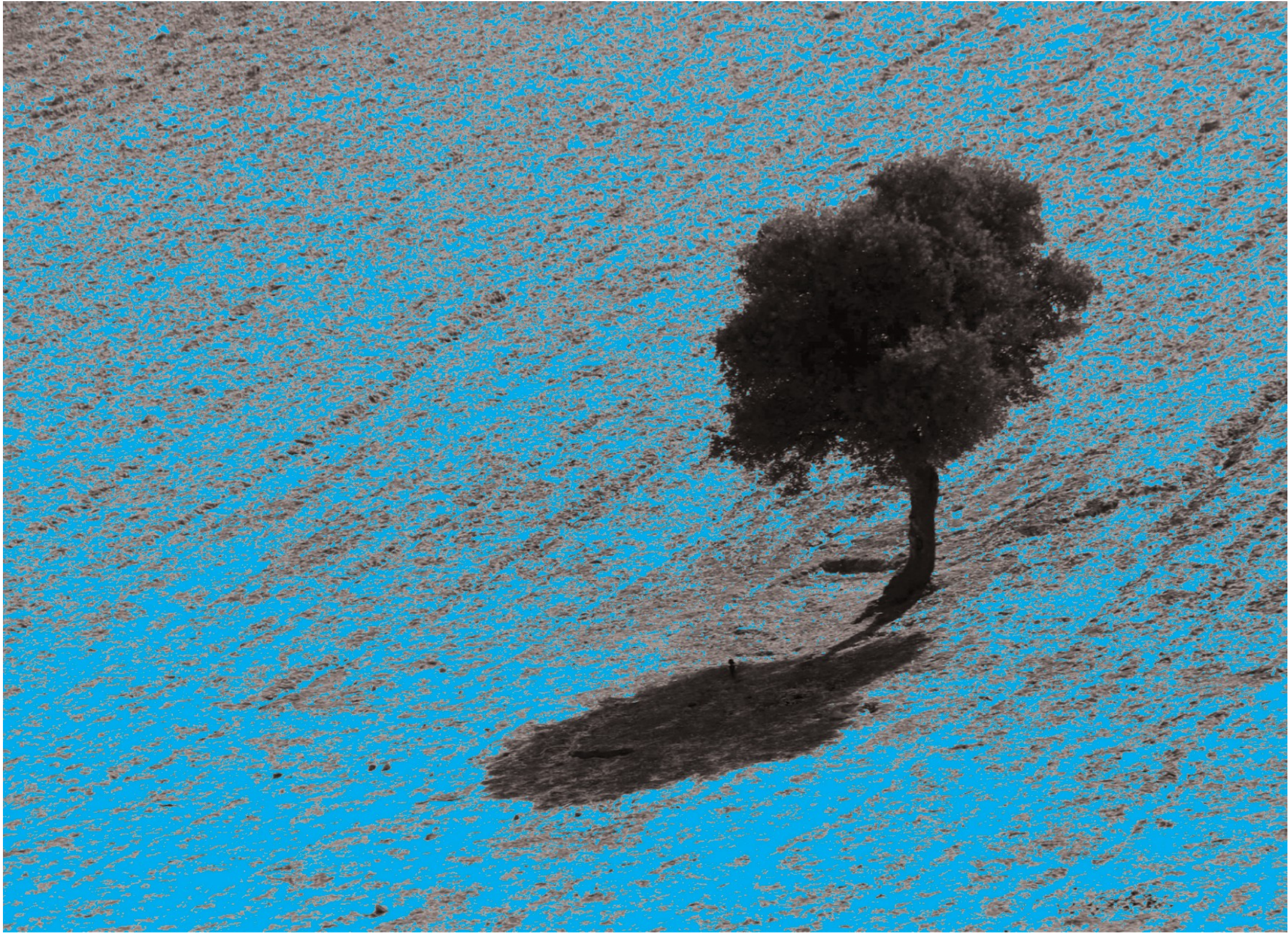
وقف کردم»، این وقف باطل است.^۱

نکته: کسانی که دوست دارند، برای مدتی محدود، منافع ملک خویش را در اختیار دیگران قرار دهند، بدون نیت وقف، می‌توانند از راهی دیگر که به آن حبس می‌گویند، اقدام کنند که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم.

آیا وقف باید از زمان اجرای صیغه باشد یا اینکه می‌شود فاصله‌ای بین اجرای صیغه تا زمان وقف باشد؟

بله. به نظر تمام مراجع عظام، وقف باید از زمان خواندن صیغه باشد؛ پس اگر بگوید: «این زمین را از ده سال دیگر به بعد، وقف کردم، یا این زمین را برای پس از مرگم وقف کردم»،

۱. در این مسئله، فقط آقای مکارم احتیاط واجب دارند؛ ولی مشهور فتوا داده‌اند: امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۱۵، ص ۶۳؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۴۸۳، ص ۳۹۳؛ وحید، منهج، ج ۳، مسئله ۱۱۱۷، ص ۲۶۶، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۳۲، مسئله ۲۶۷۹.



این وقف اشکال دارد.^۱

آیا شخص می‌تواند منافع ملک خویش را برای مدت مشخصی وقف کند؟ مثلاً خانه خود را به مدت پنج سال، در اختیار خوابگاه دانشجویی قرار دهد یا برای مثلاً ده سال، منافع باغ خود را وقف امام رضا علیه السلام کند؟

بله. گرچه وقف در این زمینه‌ها صحیح نیست، می‌تواند منافع ملک خویش را به مدت مشخص، در راه خیری، اصطلاحاً حبس کند؛ برای مثال، می‌تواند خانه خود را به مدت پنج سال برای خوابگاه دانشجویی یا مدرسه یا درمانگاه و مانند این‌ها وقف کند و از ثواب این کار خیر خود در این مدت، بهره ببرد. بنابراین، ملک همچنان برای مالک خواهد بود و فقط منافع آن، به مدت محدود، برای استفاده دیگران است که پس از گذشت آن مدت، منافع

۱. حضرت امام و آیات عظام مکارم و نوری احتیاط واجب گفته‌اند و بقیه مراجع عظام فتوا دارند. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۳۲، مسئله ۲۶۷۹؛ وحید، توضیح المسائل، مسئله ۲۷۴۳.



دوباره برای مالک خواهد بود.^۱

۱.۷.۴. وقف مشروط به وقت نیاز

اگر واقف برای هدفی وقف کند و شرط کند که در وقت نیازش به او برگردد، آیا این وقف صحیح است؟

در اینجا دو نظر وجود دارد:

قول اول: حضرت امام و برخی دیگر از مراجع می‌فرمایند: بنابر اقوی صحیح است. برگشت آن به این است که تا وقتی به آن احتیاج ندارد، وقف است و در وقفی که آخرش منقطع است، داخل می‌شود؛ یعنی اگر قبل از مرگ به آن حاجت پیدا کند، به ملک او برمی‌گردد و اگر بمیرد، به ارث می‌برند و اگر تا زمان مرگ به آن احتیاج پیدا نکند، وقف

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۱۷، ص ۶۳، صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۰؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲؛ بهجت، استفتاات، ۵۴۸۷/۲۵۳/۴؛ نوری، استفتاات، ۷۶۱/۲۳۰/۲؛ مقام معظم رهبری، اجوبة الاستفتاات، ص ۵۱۷، مسئله ۲۰۸۷.



برای همیشه خواهد بود.^۱

قول دوم: اظهر، بطلان چنین وقفی است.^۲

۲.۷.۴. وصیت به وقف پس از مرگ

اگر شخص بگوید فلان چیز پس از مرگم وقف است، صحیح است؟

اگر مرادش وصیت به وقف باشد یا معمولاً از چنین جمله‌ای، وصیت به وقف فهمیده شود،

این وصیت با تمام بودن شرایط آن، صحیح است.^۳

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۴، مسئله ۲۱؛ عروة پانزده حاشیه‌ای، ج ۶، ص ۳۰۵، مسئله ۲۳؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۶؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۳.

۲. سیستانی، منهج، ج ۲، ص ۳۹۴، مسئله ۱۴۸۸؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۶۵، مسئله ۱۱۲۰.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۲۳، ص ۶۵؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۶۶، مسئله ۱۱۲۲؛ سیستانی، منهج، ج ۲، ص ۳۹۴، مسئله ۱۴۹۰؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۶؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۳.

۸.۴. تنجیز وقف

آیا ممکن است وقف بر تحقق چیز دیگری منوط باشد؟

وقف باید، به اصطلاح، منجز باشد؛ یعنی بر چیز دیگر منوط نباشد؛ مثلاً اگر بگوید: «این زمین را وقف درمانگاه کردم، به شرطی که مریضم خوب شود»، وقف باطل است.^۱

۹.۴. وقف بر خود نباشد

واقف می تواند خودش را نیز جزو استفاده کنندگان از وقف قرار دهد؟

اگر بر خود و دیگری به طور اشتراکی وقف کند، برای خودش باطل است؛ ولی برای دیگری صحیح است.^۲

۱. حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی و صافی، احتیاط واجب و آیات عظام خویی و سیستانی و وحید فتوا داده اند: امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۲۲، ص ۶۴؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۶؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۳؛ عروة پانزده حاشیه ای، ج ۶، ص ۲۹۶، الثالث؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۶۵، مسئله ۱۱۲۱؛ سیستانی، منهج، ج ۲، ص ۳۹۴، مسئله ۱۴۸۹.

۲. عروة پانزده حاشیه ای، ج ۶، ص ۲۹۹، سطر ۱۵؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۵، مسئله ۲۴؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۴۹۱؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۶؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۳؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۶۶، مسئله ۱۱۲۳.



۱.۹.۴. وقف مشروط به ادای دین و مانند آن

اگر برای آستان قدس مثلاً باغی را وقف کند و در ضمن وقف، شرط کند که آستان قدس از منافع باغ، مقداری به او بدهد یا مثلاً قسط‌های وامش را پرداخت کند، وقف صحیح است؟

اگر بر دیگران وقف کند و شرط کند قرض‌هایش را بدهند یا حقوق واجب مالی او را پرداخت کنند یا از منافع وقف برای او خرج کنند، به نظر حضرت امام و جمعی از فقها، وقف باطل است؛ گرچه به نظر برخی دیگر از فقها، وقف صحیح است.^۱

۱. حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی و صافی: وقف باطل است. آیات عظام خویی و وحید و سیستانی: وقف صحیح است: امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۲۵، ص ۶۵؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۶؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۳؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۶۶، مسئله ۱۱۲۴.



در ادامه سؤال قبل، آیا جایز است در وقف شرط کند مهمان‌هایش از میوه وقف بخورند و از منافع باغ استفاده کنند؟

بله. جایز است.^۱

اگر شرط کند مخارج اهل و عیالش را مرتب از وقف بدهند، حکم چیست؟ جایز است؛ اگرچه از کسانی باشد که نفقه‌اش بر او واجب است، حتی همسر دائم. نکته: روشن است که وقف بر واجب‌النفقه سبب نمی‌شود همسر و مانند آن، دیگر واجب‌النفقه او نباشند. اگر با چنین شرطی وقف کند، وقف باطل است؛ چون بازگشت آن

۱. عروة پانزده حاشیه‌ای، ص ۳۰۱، مسئله ۱۳؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۱۹، مسئله ۲۶؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۶۶، مسئله ۱۱۲۵؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۴۹۳؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۷؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۴.



به وقف بر خود است.^۱

۲.۹.۴. استفاده واقف از وقف بر جهت یا عنوان عام

اگر فرشى وقف حرم یا مسجد کند، آیا خودش می‌تواند روی آن نماز بخواند؟

استفاده واقف از آنچه برای جهات عموم مثل مسجدها، مدرسه‌ها، حرم‌ها و... وقف می‌شود، بی شک، جایز است.^۲ بنابراین اگر شخص، فرشى برای حرم امام‌رضا علیه السلام یا مسجدی وقف کند، خودش به‌عنوان زائر حضرت رضا علیه السلام یا یکی از اهل مسجد، می‌تواند روی آن نماز بخواند.

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۵، مسئله ۲۶؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۷؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۴؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۶۶، مسئله ۱۱۲۵؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۴۹۳.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۶، مسئله ۲۸؛ سیستانی، منهج، ج ۲، ص ۳۹۶، مسئله ۱۴۹۶؛ وحید، منهج، ج ۳، مسئله ۱۱۲۸؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۷؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۴.



استفاده واقف از وقف بر عنوان‌های عمومی، مانند فقرای محل، چه حکمی دارد؟

بنابه نظر بسیاری مراجع عظام، می‌تواند استفاده کند؛ اگرچه احتیاط مستحب آن است که خودش استفاده نکند. البته این در صورتی است که از ابتدا قصد نداشته باشد از منافع استفاده کند.^۱ بنابراین اگر مثلاً خانه‌اش را برای زائران امام‌رضا علیه السلام وقف کرد، سپس خودش، اتفاقی و به‌عنوان زائر، به آنجا برود، مانعی ندارد از آن استفاده کند؛ اما از ابتدا نباید قصد داشته باشد که خود، به‌عنوان زائر، از آن استفاده کند.

۱. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۶۸۴؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۶، مسئله ۲۸؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۸؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۴؛ وحید، منهج، ج ۳، مسئله ۱۱۲۸؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۴۹۶.



۱۰.۴. وقف بر جهات حرام نباشد

وقف بر جهات حرام و آنچه در آن کمک به معصیت است، چه حکمی دارد؟

صحیح نیست. بنابراین در قمه‌زنی که بسیاری از فقهای عصر حاضر جایز نمی‌دانند، اگر کسی برای قمه‌زنی یا قمه‌زنان وقف کند، وقفش صحیح نیست.^۱

۱۰.۴.۱. وقف بر کافر و مرتد

آیا وقف بر کافر و مرتد صحیح است و از جمله وقف‌های حرام نیست؟

یکی از مطالبی که می‌توان از طریق آن، به اهمیت وقف و جایگاه آن در اسلام پی برد، حکم وقف بر کافر و حتی مرتد است. حضرت امام و دیگر بزرگان می‌فرمایند: «وقف بر ذمی و بر مرتد غیرفطری، به‌ویژه اگر از ارحام و خویشان باشند، صحیح است و البته وقف مسلمان

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۳۹؛ سیستانی، منهاج، ج ۲، ص ۴۰۵، مسئله ۱۵۲۵؛ وحید، منهاج، ج ۳، ص ۲۷۱۶۸، مسئله ۱۱۴۷؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۹۰، مسئله ۳۹؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۷، مسئله ۴۹۰.

بر کافر در کارهای حلال، جایز است.^۱ بنابراین، اگر کسی حتی بر زائران غیرمسلمان امام رضا علیه السلام وقف کند، وقفش صحیح خواهد بود.

۵. شرایط واقف

شرایط معتبر برای واقف را بیان کنید؟

شخص واقف باید بالغ و عاقل باشد و با اختیار، وقف کند؛ یعنی وقف او از روی اجبار نباشد و بتواند در مال خود، دخل و تصرف کند؛ برای مثال سفیه نباشد. کسی هم که از طرف حاکم شرع و به علت بدهی، اموالش را ضبط کرده‌اند، نمی‌تواند وقف کند.^۲

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۸، مسئله ۳۸؛ سیستانی، منهج، ج ۲، ص ۴۰۵، م ۱۵۲۶؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۷۱، مسئله ۱۱۴۸؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۹۰، مسئله ۳۸؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۷، مسئله ۴۸۹.
 ۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۶، مسئله ۲۹؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۴۹۸؛ وحید، منهج، ج ۳، مسئله ۱۱۳۰؛

آیا وقف از سوی غیرمسلمان صحیح است؟

مسلمان بودن واقف شرط نیست؛ پس در جایی که وقف از سوی مسلمان صحیح است، وقف از سوی غیرمسلمان نیز صحیح خواهد بود.^۱

۶. شرایط عین موقوفه (مال وقف شده)

شرایط معتبر در موقوفه را بیان کنید؟

۱. عینیت و وجود واقعی و خارجی داشته باشد؛ بنابراین نمی‌توان منافع را وقف کرد. برای نمونه، شخص نمی‌تواند هر ساله نصف میوه‌های باغی را برای امام‌رضا علیه السلام وقف کند؛

صافی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۸۸؛ گلپایگانی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۴۵؛ توضیح‌المسائل مراجع، ج ۲، مسئله ۲۶۸۲.
 ۱. امام‌خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۶۶، مسئله ۳۰؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۴۹۹؛ وحید، منهج، ج ۳، مسئله ۱۱۳۸؛
 صافی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۸۸؛ گلپایگانی، هدایة‌العباد، ص ۱۴۵۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبة‌الاستفتاءات، سؤال ۱۹۹۹.



بلکه باید خودِ باغ را وقف کند. اگر هم چیزی از کسی طلب دارد، نمی‌تواند دین و طلب خود را وقف کند؛

۲. امکان مالکیت آن باشد؛

۳. بهره‌بری از منافع آن ممکن باشد؛ به‌طوری‌که عین آن، به‌طور چشمگیری باقی بماند. برای مثال، وقف گل‌های فعلی گلخانه‌ای برای استفاده در چهارگوشهٔ بالا در ضریح مقدس امام‌رضا علیه‌السلام، صحیح نیست؛ اما خودِ گلخانه را می‌توان وقف کرد؛

۴. دارای منفعت حلال باشد. بنابراین وقف چیزی که استفاده از آن منحصر در حرام است، صحیح نیست؛ برای نمونه وقف آلات لهو و قمار برای فلان مؤسسهٔ خیریه در سرپرستی از ایتام صحیح نیست. چیزی که منفعت حاصل از وقف آن نیز حرام باشد، وقفش صحیح نیست؛ مثل وقف قمه برای دسته‌های قمه‌زنی؛

۵. حق دیگری که مانع از تصرف باشد، به آن تعلق پیدا نکند؛ مثل آنکه زمینی به ارث

رسیده باشد و طفل صغیری نیز جزو ورثه باشد و یکی از ورثا بخواهد بدون اجازه ولی یا قیم یا حاکم شرع، آن را وقف کند؛

۶. قبض و در اختیار گرفتن آن ممکن باشد.^۱ بنابراین وقف زمینی که سازمان یا شخصی آن را تحت تصرف خود قرار داده است، به گونه‌ای که نمی‌توان آن را در اختیار گرفت، صحیح نیست.

آیا در عین موقوفه شرط است که استفاده از آن، در زمان وقف، ممکن باشد؟

ضرورتی ندارد. همین که از آن استفاده کنند، ولو پس از مدتی، کفایت می‌کند. بنابراین می‌تواند باغی که تازه احداث کرده و زمان میوه‌دهی آن چند سال دیگر است، از هم‌اکنون وقف امام‌رضا علیه السلام کند.^۲

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۷، مسئله ۳۱؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۱۵ تا ۱۵۲۲؛ وحید، منهج، ج ۳، مسئله ۱۱۳۹ تا ۱۱۴۱؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۸؛ هدایة العباد، گلپایگانی، ج ۲، ص ۱۴۵.
 ۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۷، مسئله ۳۲؛ سیستانی، منهج، ج ۲، ص ۴۰۳، مسئله ۱۵۲۲؛ وحید، منهج، ج ۳،



۷. چگونگی تقسیم وقف بر مسجد و زیارتگاه

اگر برای نمونه، یک باب مغازه را بر مسجدی وقف کنند، بدون آنکه ذکر شود برای چه مصارفی است، منافع آن را در چه راهی خرج می کنند؟

در این صورت، منافع وقف را برای تعمیر و روشنایی و فرش و خادم آن مصرف می کنند. برای پرداخت منافع آن به امام جماعت دو نظر وجود دارد: ۱. اگر مازاد بر مصرف باشد، مابقی به امام جماعت مسجد داده می شود؛ ۲. اشکال دارد؛ مگر اینکه قرینه‌ای بر اراده آن از طرف واقف باشد که در این صورت، به ایشان عطا می شود.^۱

اگر برای زیارتگاهی مثل حرم امام رضا علیه السلام وقف کند، برای چه کارهایی مصرف می شود؟

برای تعمیر و روشنایی مسجد مصرف می شود و همچنین برای خادمان مسجد که بعضی

ص ۷۰، مسئله ۱۱۴۵؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۹؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۵.
۱. سیستانی، منهاج، ج ۲، ص ۴۰۹، مسئله ۱۵۴۴؛ وحید، منهاج، ج ۳، ص ۲۷۵، مسئله ۱۱۶۶.



کارهای ضروری و متعلق آنجا را انجام می‌دهند (مشهور).^۱

۸. احکام وقف

۱.۸. تغییر موقوف‌علیهم

آیا واقف پس از وقف کامل، حق تغییر و تبدیل موقوف‌علیه را دارد؟ اگر در ضمن عقد وقف، شرط کرده باشد، چطور؟

خیر. پس از وقف کامل و بدون اشکال، واقف حق تغییر موقوف‌علیه را ندارد و نمی‌تواند افراد آن را کم‌وزیاد کند؛ البته در صورتی که چنین چیزی را در ضمن عقد وقف، شرط نکرده باشد. اگر در متن عقد وقف، آن را شرط کرده باشد، فتواها مختلف است: برخی مانند حضرت امام

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۷۱، مسئله ۵۷؛ سیستانی، منهاج، ج ۲، مسئله ۱۵۴۴؛ وحید، منهاج، ج ۳، مسئله ۱۱۶۶؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۹۳، مسئله ۵۷؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۰، مسئله ۵۰۸.



آنرا صحیح نمی‌دانند و برخی دیگر به صحت آن قائل‌اند.^۱

۲.۸. تغییر وقف

آیا تغییر دادن وقف و عوض کردن شکل ظاهری آن، به‌گونه‌ای که کاربری آن تغییر یابد، جایز است؟

تغییر وقف و عوض کردن شکل و صورت آن و تبدیل عنوان آن به‌عنوان دیگر، مانند اینکه خانه را به مدرسه یا به مغازه و فروشگاه تبدیل کنند یا به‌عکس، جایز نیست. گاه وقف، وقف منفعت است؛ یعنی نظر واقف، استفاده از منافع این وقف در جهتی خاص است. برای نمونه، خود باغ مهم نبوده است، بلکه اینکه منافع آن را در جهتی خاص مصرف کنند، در نظر واقف

۱. قائلان به عدم صحت: امام خمینی، تحریر الوسیله ج ۲، ص ۷۱، مسئله ۵۹؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۹۴، مسئله ۵۹؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۱، مسئله ۵۱۰؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، ص ۹۲، سؤال ۲۹۶؛ مقام معظم رهبری، اجوبه ۲۰۳۵ و ۲۰۳۹؛ وحید، منهاج، ج ۳، ص ۲۷۷، مسئله ۱۱۷۸؛ قائلان به صحت: سیستانی، منهاج، ج ۲، مسئله ۱۵۵۷.

مهم بوده است. در این صورت، اگر مال موقوفه به شکل سابق خود، دیگر منفعتی نداشته باشد یا منفعتش بسیار کم باشد، بعید نیست تبدیل آن به عنوان دیگری که دارای منفعت است، جایز باشد؛ برای مثال، باغی را که وقف منفعت کرده‌اند و به علت قطع شدن آب آن، دیگر قابل استفاده نباشد، به زمین زراعی یا خانه یا مانند این‌ها تبدیل می‌کنند.^۱

۳.۸. تعمیر موقوفه

اگر ملک وقفی به تعمیر و مرمت و اصلاح نیاز داشته باشد، چه باید کرد؟

سه راه وجود دارد: ۱. اگر واقف برای تعمیر آن‌ها، از درآمد مال موقوفه چیزی قرار داده

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۷۴، مسئله ۶۸؛ سیستانی، منهج، ج ۲، ص ۴۱۸، مسئله ۱۵۷۶؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۸۱، مسئله ۱۱۹۶؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۹۷، مسئله ۶۸؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۴، مسئله ۵۱۹؛ فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، ص ۳۱۸، سؤال ۱۲۲۶ و ۱۲۲۹.

است، باید همان را انجام داد (مشهور)؛^۱ ۲. اگر واقف برای تعمیر آن، پیش‌بینی لازم را نکرده و چیزی قرار نداده است، باید ابتدا، منافع به‌دست‌آمده از مال وقف‌شده را برای ترمیم و اصلاح آن خرج کرد. این تعمیر کردن بر حق موقوف‌علیهم مقدم است؛ البته احتیاط این است که موقوف‌علیهم به این کار راضی باشند.^۲ اگر هم برای نگهداری از اصل مال موقوفه، چاره‌ای جز فروش قسمتی از آن نباشد، این کار جایز است (حضرت امام و آیات گلپایگانی و صافی)؛^۳ ۳. اگر وقف به تعمیر یا ترمیم نیاز دارد و وجهی نباشد که در آن صرف شود، جایز است متولی برای تعمیر آن، قرض بگیرد. در این صورت، به مال وقف و نه مال شخصی

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۷۵، مسئله ۷۰؛ سیستانی، منهاج، ج ۲، ص ۴۱۲، مسئله ۱۵۵۹؛ وحید، منهاج، ج ۳، ص ۲۷۹، مسئله ۱۱۸۱؛ صافی، هدایةالعباد، ج ۲، ص ۱۹۷ تا ۱۹۸، مسئله ۷۰؛ گلپایگانی، هدایةالعباد، ج ۲، ص ۱۵۴، مسئله ۵۲۱.

۲. همان.

۳. همان.

خودش، مدیون است. اگر از اموال خودش به قصد برگشت آن، در تعمیر وقف استفاده کند، جایز است (آیت‌الله سیستانی).^۱

۴.۸. فروش وقف و متعلقات آن

همان‌طور که گفتیم، وقف براساس شخص یا اشخاصی که از آن استفاده می‌کنند (موقوف‌علیهم) به دو دسته تقسیم می‌شود: وقف خاص و وقف عام. وقف عام نیز خود به دو قسم است: گاه برای استفاده عموم است؛ مثل مسجد و بیمارستان و گاه برای عنوانی کلی مثل فقر است. نکته درخور توجه آن است که در فروش چنین وقف‌هایی، گاه، کمی اختلاف نظر بین علما وجود دارد که در قالب دو پرسش زیر، به آن می‌پردازیم:

۱. سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۶۰؛ وحید، منهج، ج ۳، مسئله ۱۱۸۱.



وقف‌هایی که برای استفاده عموم است، خرید و فروش و نقل و انتقال آن‌ها به ملک دیگران ممکن است؟

گاه وقف برای مسجد و زیارتگاه است که بطور حتم، جایز نیست؛ حتی اگر خراب شود نیز امکان فروش آن‌ها نیست (مشهور).^۱ اما در وقف‌های عمومی از قبیل غیرمسجد و زیارتگاه سه نظر وجود دارد: ۱. احتیاطاً جایز نیست (حضرت امام)؛^۲ ۲. جایز نیست (آیات عظام صافی و گلپایگانی)؛^۳ ۳. در صورت خراب شدن، با شرایطی که در سؤال بعد ذکر خواهد شد، اشکال ندارد. (آیت‌الله وحید).^۴

-
۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۷۱ و ۷۳؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۶۶؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۷۹، مسئله ۱۱۹۹؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۹۸، مسئله ۷۱؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۴، مسئله ۵۲۲.
 ۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۷۱.
 ۳. صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۹۸، مسئله ۷۱؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۴، مسئله ۵۲۲.
 ۴. وحید، منهج الصالحین، ج ۳، مسئله ۱۱۸۹.

زمانی که انتفاع بردن از آن در جهتی که مقصود واقف بوده است، دیگر ممکن نباشد، به خاطر خراب شدن و منفعت نداشتن عین آن، جایز است فروش بخشی از آن و مصرف کردن آن، در ساختن آنچه باقی است، به سبب انتفاع بردن از آن. اگر این هم ممکن نباشد، فروش کل و تبدیل کردنش به آنچه انتفاع به آن را ممکن می کند، جایز است؛ اگر چه آن را برای موقوف عملیه استفاده نکند (آیات عظام خویی و وحید).^۱

حکم فروش وقف های خاص و وقف هایی با عنوان عام چگونه است؟

فروش وقف های خاص مانند وقف بر اولاد و وقف های عام با عنوان های عمومی مانند فقرا و نیز انتقال آن ها با یکی از اسباب نقل، جایز نیست؛ مگر به علت امکان ایجاد بعضی عوارض.^۲

چه عوارضی سبب انتقال وقف به یکی از اسباب نقل می شود یا جواز فروش آن را

۱. وحید، منهج الصالحین، ج ۳، مسئله ۱۱۸۹.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله ج ۲، مسئله ۷۳؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۵، مسئله ۵۲۴؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۹۹.



صادر می‌کند؟

۱. خرابی وقف: وقفی که خراب شده است؛ به طوری که بازگرداندن آن به حالت اولش ممکن نباشد و دیگر از آن هیچ استفاده‌ای نشود. در این صورت، اگر آن را بفروشند و از پول فروشش استفاده کنند، فروش آن اشکال ندارد. باید با پول آن، چیزی خرید که تا آنجا که ممکن است همانند مال وقفی فروخته شده باشد.
۲. بی‌فایده‌شدن: اگر وقف دیگر منافع درخور توجهی نداشته باشد؛ به طوری که استفاده از آن، دیگر امکان‌پذیر نباشد و امید بازگشت آن به حالت اول نباشد، همانند فرض بالا، فروش آن اشکال ندارد.
۳. شرط واقف در هنگام وقف: واقف، در هنگام وقف، شرط کند که در وضعیت خاص مانند کمی منفعت یا زیادی مخارج یا اختلاف‌افتادن بین کسانی که از وقف استفاده می‌کنند و هر ضرورت دیگری، فروخته شود. در این صورت، فروش آن مانعی ندارد؛ البته در این مسئله،

همان‌طور که گفتیم، بین علما اختلاف نظر است.

۴. اختلاف شدید بین موقوف‌علیهم: در وقف خاص، مثل وقف بر اولاد، ممکن است بین آنان اختلاف شدید به وجود آید، به اندازه‌ای که به اموال یا جان همدیگر آسیب برسانند. در این صورت، تنها راه برای حلّ اختلاف، فروش مال موقوفه است؛ یعنی باید آن را بفروشند و پولش را بین اولاد تقسیم کنند.^۱

فروش اسباب و وسایل وقف‌های عمومی چه حکمی دارد؟

فروش متعلق وقف‌ها از قبیل وسایل و فرش سه حالت دارد:

۱. اگر استفاده از آن‌ها هنوز ممکن باشد، فروش آن‌ها جایز نیست. حتی اگر در غیر آن جهت وقف، بتوان از آن استفاده کرد، نمی‌توان آن را فروخت؛ برای مثال، از فرش وقف‌شده‌ای

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله ج ۲، مسئله ۷۳؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۵، مسئله ۵۲۴؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۹۹.

که دیگر، به‌عنوان فرش، امکان استفاده ندارد، به‌عنوان پرده می‌توان استفاده کرد.

۲. اگر به‌طور کلی، آن مکان بی‌نیاز از آن باشد و نگهداشتن آن، موجب خرابی مال موقوفه می‌شود، دو حالت دارد:

اول، در جای دیگری شبیه این مکان وقف، امکان استفاده دارد؛ مثلاً به درِ پنجرهٔ چوبی مسجد، پس از بازسازی، نیازی نیست؛ اما اگر مسجد دیگری نیاز به آن دارد، باید به آن محل برده شود؛

دوم، اگر استفاده از آن، جز با فروختن ممکن نباشد و اگر ماندن، سبب خرابی و تلف شدن آن می‌شود، باید آن را فروخت. پول آن را نیز باید، در صورت نیاز، در آن محل مصرف کرد؛ در غیراین صورت، باید در جاهایی مثل آن و سپس، در مصالح عمومی مصرف کرد (مشهور).^۱

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۷۱؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۶۶؛ وحید، منهج، ج ۳، مسئله ۱۱۸۹ و ۱۱۹۰؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۹۸، مسئله ۷۱؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۴، مسئله ۵۲۲؛ خامنه‌ای،



۵.۸. وقف عین اجاره داده شده

اگر عین را اجاره دهد، سپس وقف کند، حکم چیست؟ برای نمونه، زمینی اجاره ده ساله است. حال که دو سال از آن گذشته است، واقف می‌خواهد آن زمین را وقف امام رضا علیه السلام کند. این وقف صحیح است؟

وقف صحیح است و اجاره به حال خودش باقی می‌ماند. وقف در مدت اجاره، یعنی ده سال در فرض سؤال، مسلوب‌المنفعه است. بنابراین حتی اگر به فسخ یا اقاله، اجاره نیز فسخ گردد، باز هم منفعت آن برای مالک اصلی که همان واقف باشد، در مدت اجاره است، نه برای موقوف‌علیه.^۱

اجوبة الاستفتاءات، سؤال ۱۰۴۳؛ مکارم، استفتاءات جدید، ج ۱، ص ۲۹۸.

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۵، مسئله ۲۷؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۸۷؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۴۴؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۴۹۵.



۶.۸. اجاره وقف

مال وقف شده را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: گاه وقف انتفاع است و گاه وقف منفعت. وقف انتفاع، یعنی واقف، خود مال موقوفه را برای استفاده افراد قرار دهد؛ به گونه‌ای که خودشان مستقیم از آن بهره ببرند؛ برای مثال، مدرسه‌ای بسازند و آن را وقف کنند تا افراد از آن استفاده کنند.

وقف منفعت، یعنی واقف، ملک خویش را وقف کند تا از منافع آن به افراد مدنظر او بدهند. لازم نیست خود آن‌ها مستقیم از ملک وقفی استفاده کنند؛ مثلاً مغازه‌ای بر مدرسه‌ای وقف شده است. اینجا مراد واقف آن است که مال الاجاره مغازه برای هزینه‌های مدرسه صرف شود. حال، دو پرسش مطرح است:

اجاره‌دادن چیزی که وقف انتفاع شده است، چه حکمی دارد؟

مانند فروش آن، جایز نیست (مشهور).^۱ بنابراین اگر محلی طبق وقف، مدرسه یا بیمارستان یا زائرسرا و مانند این‌ها شده است، امکان اجاره آن مکان وجود ندارد، همان‌طور که امکان فروش آن وجود ندارد.

اجاره‌دادن چیزی که وقف منفعت شده است، چه حکمی دارد؟

اجاره‌دادن چیزی که وقف شده است تا منافع آن را برای جهات ذکرشده در وقف‌نامه مصرف کنند، بی‌شک جایز است؛ مانند مزرعه یا مغازه. در این زمینه، بین اقسام وقف عام و خاص فرقی نیست. بنابراین اگر کسی مزرعه یا زمین و مانند این‌ها را بر حرم حضرت رضا علیه السلام وقف

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله ج ۲، مسئله ۷۲؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۶۷؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۴۱۵ و ۱۱۹۰؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۹۸، مسئله ۷۲؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۵، مسئله ۵۲۳.

کند، آن مزرعه یا زمین را اجاره می‌دهند و مال‌الاجاره را در حرم مصرف می‌کنند.^۱

۷.۸. لزوم اجرةالمثل بر غاصب وقف

اگر شخصی در مال موقوفه تصرف ناروا کند، یعنی مثلاً آن را جزو اموال خویش قرار دهد، حکمش چیست؟

اگر غاصب، اوقاف عامه را غصب کند، یعنی برای مثال، زمین مسجد یا مدرسه را محل سکونت یا جزو مزرعه خود کند، دو حالت پیش می‌آید: ۱. اگر وقف مثل مدرسه و مانند آن بوده و آن را غصب کند، باید اجرةالمثل، یعنی اجاره چنین جایی را بپردازد؛ ۲. اگر زمین مسجد و مانند آن را غصب کرده است، اجرةالمثل لازم نیست؛ اما گناه کرده است (مشهور).^۲

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۷۴؛ گلپایگانی، هدایةالعباد، ج ۲، ص ۱۵۶، مسئله ۵۲۴؛ صافی، هدایةالعباد، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۷۴؛ گلپایگانی، هدایةالعباد، ج ۲، ص ۱۵۶، مسئله ۵۲۴؛ صافی، هدایةالعباد،



۸.۸. ضمانت در تلف

آیا شخصی که مال موقوفه را تلف می‌کند، ضامن است؟

بلی. ضامن است و باید مثل یا قیمتش را بپردازد تا به جای آنچه تلف کرده است، قرار دهند، یا در همان جهتِ وقف مصرف کنند (حضرت امام و آیات عظام صافی و گلپایگانی).^۱

۹.۸. متولی وقف

تعیین متولی و ناظر بر اجرای وقف با چه کسی است؟

واقف در ابتدا و هنگام وقف، می‌تواند متولی و همچنین ناظر را تعیین کند. متولی، مسئولیت

ج ۲، ص ۲۰۰.

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۷۲؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۹۸، مسئله ۷۲؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۵، مسئله ۵۲۳؛ سیستانی، منهاج، ج ۲، مسئله ۱۵۶۷.

اجرای وقف‌نامه را دارد و ناظر، بر اجرای صحیح وقف نظارت می‌کند.

واقف، حق قراردادادن تولیت وقف را برای خودش یا دیگری دارد؟

واقف، در زمان واقع‌ساختن وقف و درضمن عقد آن، حق قراردادادن تولیت برای خودش یا دیگری دارد. بعد از تمام‌شدن وقف، دیگر چنین حقی ندارد و با وقف بیگانه است.^۱

آیا راهی هست که واقف، پس از تمام‌شدن وقف، حق قراردادادن تولیت یا عزل متولّی را داشته باشد؟

بعد از تمام‌شدن وقف، واقف با آن بیگانه است؛ پس حق قراردادادن تولیت و عزل متولّی را ندارد؛ مگر اینکه چنین چیزی را درضمن عقد وقف برای خودش شرط کند؛ یعنی تولیت را برای شخصی قرار دهد و شرط کند پس از مدتی خاص یا هر وقت که تشخیص داد، بتواند

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۷۹؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۰۱؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۸؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۲۰۱.

او را عزل کند.^۱

آیا واقف می تواند متولی نیز باشد؟

برای واقف جایز است تولیت وقف یا نظارت بر آن را همیشه یا برای مدتی، چه مستقل از دیگران باشد یا با آنان شریک باشد، برای خودش قرار دهد (مشهور).^۲

آیا واقف می تواند تعیین متولی را به شخصی دیگر واگذار کند؟

بله. جایز است واقف، تعیین متولی را به شخص دیگری واگذار کند؛ پس متولی کسی است که آن شخص، او را معین کند.^۳

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۸۰؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۰۱؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۸؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۲۰۱؛ وحید، منهج، ج ۳، مسئله ۱۱۳۵.
۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۷۸؛ سیستانی، منهج، ج ۲، ص ۳۹۸، مسئله ۱۵۰۰؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۶۸، مسئله ۱۱۳۱؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۷، مسئله ۵۲۹؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۲۰۱.
۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۷۸؛ سیستانی، منهج، ج ۲، ص ۳۹۸، مسئله ۱۵۰۰؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۶۹.

آیا واقف می‌تواند وقف را به‌گونه‌ای معین کند که هر متولّی بتواند متولّی بعد از خودش را معین کند؟

بله. واقف می‌تواند وقف را طوری قرار دهد که هر متولّی، بتواند برای بعد از خودش متولّی معین کند.^۱

آیا برای متولّی وقف، عدالت شرط است؟

خیر. واقف در جایی که تولیت و نظارت را برای خودش قرار می‌دهد، بی‌شک، عدالت در او معتبر نیست؛ همچنین اگر برای دیگری هم قرار دهد، عدالت در او معتبر نیست.^۲

مسئله ۱۱۳۶؛ گلپایگانی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۵۷؛ صافی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۲۰۱.

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۷۸؛ سیستانی، منهج، ج ۲، ص ۳۹۸، مسئله ۱۵۰۰؛ وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۶۹،

مسئله ۱۱۳۶؛ گلپایگانی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۵۷؛ صافی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۸۰؛ گلپایگانی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۵۸؛ صافی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۲۰۱.

آیا کفایت در متولی وقف شرط است؟

بله. گرچه عدالت در متولی وقف شرط نیست، باید کفایت داشته باشد؛ پس قراردادن تولیت برای فرد خائن و غیرموثق، به‌ویژه در جهات و مصالح عامه، جایز نیست.^۱

اگر واقف، تولیت موقوفه را برای کسی قرار دهد، آیا قبول آن بر وی واجب است؟

خیر. واجب نیست. فرقی نمی‌کند این فرد، در زمان اجرای عقد وقف، حاضر بوده است یا اینکه غایب بوده و بعد، به اطلاعش رسیده باشد؛ حتی اگر بعد از مرگ واقف هم مطلع شود، قبول آن واجب نیست.^۲

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۷۹، مسئله ۸۰؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۰۲؛ گلیایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۹؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۸۱؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۰۳؛ خویی و وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۶۹، مسئله ۱۱۳۲، گلیایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۹؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۲۰۲.

اگر فرد تولیت وقف را قبول کرد، جایز است خود را عزل کند و استعفا دهد؟

دو قول وجود دارد و احتیاط آن است که خود را عزل نکند؛ اما در صورت عزل، به حاکم شرع مراجعه و برای نصب متولی جدید اقدام کند (مشهور).^۱

آیا متولی وقف می‌تواند منصب تولیت را به فرد دیگری واگذار کند؟

خیر. حق ندارد، هرچند از اداره موقوفه عاجز شده باشد؛ مگر آنکه هنگام نصب او به تولیت، اجازه این کار را به او داده باشند. البته ایشان می‌تواند در برخی کارهایی که وظیفه خود اوست، وکیل بگیرد؛ مگر آنکه واقف شرط کرده باشد کارهای وقف را خود، انجام دهد.^۲

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۸۱؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۰۳؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۹؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۲۰۲؛ اجوبة الاستفتائات، سؤال ۲۰۱۹.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۸۵؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۰۸؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۹، مسئله ۵۳۶؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۲۰۳، مسئله ۸۳؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۲۰۱۹.



در صورتی که واقف، وظیفه و کار متولی را معین نکرده باشد، حکم چیست؟

اگر واقف، وظیفه و کار متولی را معین کند که همان لازم است تبعیت شود؛ اما اگر معین نکرده باشد، وظیفه او همان کارهای متعارفی است که انجامش برای امثال ملک وقف شده لازم است: از قبیل تعمیرات و اجاره دادن و گرفتن مال الاجاره و تقسیم آنها بین موقوف علیهم و پرداخت مالیات و امثال آن. همه این کارها باید با رعایت احتیاط و مراعات مصلحت وقف و مصلحت موقوف علیهم انجام پذیرد. در انجام دادن این کارها، هیچ کس، حتی موقوف علیهم،^۱ حق ندارد برای او مزاحمت ایجاد کند.

اجرت متولی را از کجا و چگونه پرداخت می کنند؟

اگر واقف سهمی از منافع برای متولی معین کند، همان متعین است. اجرت عملش نیز همان

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۸۳؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۰۶؛ گلیاگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۹؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۲۰۲.

است و بیش از آن نمی تواند بردارد؛ هر چند کمتر از اجرت المثل باشد. اما اگر معین نکرده باشد، مستحق اجرت المثل است. همه این ها در صورتی است که این کار دارای اجرت باشد و از قرائن دیگر مشخص نشود قصد واقف، انجام دادن کار بدون اجرت بوده است (مشهور).^۱

واقف می تواند کسی را به عنوان ناظر بر متولی معین کند؟ در این صورت، وظیفه ناظر و متولی در قبال همدیگر چیست؟

برای واقف جایز است کسی را به عنوان ناظر بر متولی معین کند؛ اما هریک از متولی و ناظر در برابر دیگری وظیفه ای دارد و در اینجا سه فرض مطرح است:

۱. اگر معلوم شود منظور واقف از تعیین ناظر این است که صرفاً از کارهای متولی آگاه

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۸۴؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۰۷؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۹؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۲۰۲؛ خامنه ای، اجوبة الاستفتاءات، سؤال ۲۰۰۰؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۰۷؛ خویی و وحید، منهج، ج ۳، ص ۲۶۹، مسئله ۱۱۳۳.

شده و از انجام دادن درست آن‌ها مطلع باشد، متولّی در تصرفات خود مستقل است. اجازه

ناظر نیز در صحت و نفوذ کارهایش معتبر نیست و تنها اطلاع او لازم است؛

۲. اگر منظور واقف، اِعمال نظر و تصویب ناظر باشد، متولّی هیچ تصرفی را بدون اذن و

تصویب ناظر نباید انجام دهد؛

۳. اگر واقف هیچ‌یک از این دو را معین نکرده باشد، مراعات این دو لازم می‌شود؛ یعنی

ناظر، اسقلال متولّی را و متولّی، تصویب ناظر را مراعات کند.^۱

اگر واقف هرگز متولّی برای وقف معین نکند، متولّی وقف در اوقاف عام و خاص چه کسی است؟

اگر واقف هرگز متولّی وقف معین نکند، متولّی آن در اوقاف عام، حاکم شرع یا منصوب

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۸۶؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۰۹؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۵۹، مسئله ۵۳۷؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۲۰۳، مسئله ۸۴؛ فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، ص ۴۳۷، مسئله ۱۹۵۸.

از طرف اوست. همچنین، در اوقاف خاص، در آنچه مصالح وقف و مراعات جنبه‌های بعدی وقف، بر آن متوقف است، واقف، حاکم شرع است؛ اما در آنچه در بهره‌دهی فعلی وقف خاص، تأثیر می‌گذارد، از قبیل شخم‌زدن و کشت و برداشت حاصل و تقسیم آن و کارهای جزئی دیگر، به‌عهده موقوف‌علیهم‌هایی است که اکنون زنده‌اند.^۱ البته برخی علما، در موقوفات خاص، تفصیل و توضیح دیگری دارند.^۲

چه زمان‌هایی اختیار تولیت وقف، به‌دست حاکم است؟

زمانی اختیار به‌دست حاکم است که وقف، متولی ندارد و فرقی نمی‌کند واقف، متولی معین

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۸۷؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۱۱؛ گلپایگانی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۱۵۹، مسئله ۵۳۷؛ صافی، هدایة‌العباد، ج ۲، ص ۲۰۳، مسئله ۸۷؛ فاضل لنکرانی، الاحکام‌الواضحه، ص ۴۳۵، مسئله ۱۹۵۰.
 ۲. خویی و وحید، منهج‌الصالحین، ج ۳، مسئله ۱۱۳۴: در موقوفات خاصه، اگر وقف به‌صورت تملیک باشد، ولایت برعهده موقوف‌علیهم است؛ اما اگر وقف به‌صورت تملیک نباشد، بلکه فقط برای صرف باشد، برعهده حاکم شرع است.

کرده یا نکرده است؛ اما متولّی، اهلیت تولیت را ندارد یا اگر داشته، از دست داده است. پس اگر واقف، تولیت موقوفه‌اش را به یکی از اولاد مطمئن خود داده که حال، فاسق شده است و دیگر فرد مطمئنی نیست، مانند زمانی است که هرگز کسی را معین نکرده است.^۱

۱۰.۸. ثبوت وقف

وقفی بودن هر ملک چگونه مشخص می‌شود؟

۱. این موضوع تا اندازه‌ای بین مردم شناخته شده باشد که برای انسان، علم و اطمینان بیاورد؛ ۲. کسی که مال وقفی در اختیار اوست، به آن اقرار کند؛ ۳. دو شاهد عادل شهادت

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۸۹؛ سیستانی، منهج، ج ۲، مسئله ۱۵۱۳؛ گلیایگانی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۱۶۰، مسئله ۵۴۰؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۲۰۴، مسئله ۸۹.

دهند؛^۱ ۴. ببینیم که ملک در تصرف وقف است؛ یعنی کسانی که این ملک را در اختیار دارند، با آن، معامله وقف کنند و کسی هم به آن اعتراض نکند.

اگر فردی عقد وقف را واقع سازد و قبض نیز صورت بگیرد، آنگاه ادعا کند در این کارها قصد جدی نداشته است، ادعای او چه حکمی دارد؟

این ادعا، به هیچ وجه، از ایشان مسموع نیست؛ همچنان که در هیچ عقد و ایقاعی مسموع نیست.^۲

۱. تحریر الوسیله ج ۲، م ۹۲؛ سیستانی، منهج، ج ۲، م ۱۵۸۲؛ خویی و وحید، منهج، ج ۳، م ۱۲۰۲، هدایة العباد، گلپایگانی، ج ۲، ص ۱۶۰، م ۵۴۳؛ هدایة العباد صافی، ج ۲، ص ۲۰۴، م ۹۲؛ الاحکام الواضحه، فاضل لنکرانی ص ۴۳۸، م ۱۹۶۵؛
 ۲. تحریر الوسیله ج ۲، م ۹۳؛ سیستانی، منهج، ج ۲، م ۱۵۸۳؛ هدایة العباد، گلپایگانی، ج ۲، ص ۱۶۰، م ۵۴۴؛ هدایة العباد صافی، ج ۲، ص ۲۰۴، م ۹۳؛

اگر کتابی در دست کسی باشد و ادعا کند مالک آن است، اما روی آن نوشته شده باشد «وقف است»، به صرف این نوشته، به وقفیت آن حکم می‌شود؟

به صرف این نوشته، به وقفیت آن حکم نمی‌شود و بنابراین می‌توان آن کتاب را از ایشان خرید.^۱ اگر این نوشته به قرائنی مثل مهر کتابخانه معروف یا عالم مشهور، نشان شده باشد که ما را از صحت آن مطمئن کند، به وقفیت آن حکم می‌شود. اگر معلوم شود این کتاب، زمانی که نوشته وقف را داشته، در دست مالک بوده است، در این صورت هم به وقفیت آن حکم می‌شود؛ چون در واقع، مالک، بر وقف بودن آن اقرار کرده است.^۲

۱. تحریر الوسیله ج ۲، م ۹۶، هدایة العباد، گلپایگانی، ج ۲ ص ۱۶۱ م ۵۴۷ هدایة العباد صافی ج ۲ ص ۲۰۵ م ۹۶، الاحکام الواضحه، فاضل لنکرانی ص ۴۳۸ م ۱۹۶۶
 ۲. سیستانی، منهاج، ج ۲، م ۱۵۸۴.

اگر در وسایل میّت، ورقه‌ای به خط خود ایشان پیدا شود که بر آن نگاشته که فلان ملک را وقف کرده و قبض و اقباض هم انجام داده، به وقفیت آن ملک حکم می‌شود؟

به‌صرف این نوشته، به وقفیت آن حکم نمی‌شود، مگر زمانی که با آن نوشته، یقین یا حداقل اطمینان حاصل شود؛ زیرا ممکن است قصد نویسنده وقف آن بوده و حتی این قصد را نوشته باشد، ولی وقف انجام نشده باشد.^۱ اگر به‌صورت اعتراف به وقف باشد، مثل اینکه در زیر آن توضیح دهد یا مهر بزند یا اثر انگشت بزند و نبود شرایط اقرار هم محرز نباشد، به وقفیت حکم می‌شود؛ در غیراین‌صورت، به وقفیت حکم نمی‌شود، ولو اینکه نوشته به خط میّت باشد.^۲

۱. تحریر الوسیله ج ۲، م ۹۵، هدایة العباد، گلپایگانی، ج ۲ ص ۱۶۱ م ۵۴۸؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، ص ۲۰۵، م ۹۷، الاحکام الواضحه، فاضل لنکرانی ص ۴۳۸، م ۱۹۶۷.
 ۲. سیستانی، منهج، ج ۲، ص ۴۲۰، م ۱۵۸۵، خویی و وحید.

آیا زکات مال وقفی نیز واجب است پرداخت شود؟

اگر نماء عین زکوی باشد، مثل جایی که وقف بستان است، پس اگر وقف به نحو تملیک برای اشخاص موقوف علیهم باشد، مثل جایی که بگوید: وقت البستان لاولادی. پس اگر حصه یکی از آنان به حد نصاب برسد، زکات بر آنان واجب است؛ وگرنه واجب نیست و...^۱ به تعبیر ساده تر اگر باغ انگور را وقف بر فرزندان خود کند، سهم هر کدام از آنها از میوه انگور، اگر به مقداری برسد که واجب است زکات آن را بدهد، بر خود آن شخص، پرداخت زکات واجب می شود و بر دیگران که سهمشان به حد نصاب نرسیده، چیزی واجب نیست.

۱. خویی و وحید، منهج، ج ۳، مسئله ۱۲۰۶.

نسخه دیجیتال رهنا

مرکز پخش: مشهد مقدس، نیش ورودی باب الجواد علیه السلام
فروشگاه عرضه محصولات رضوی
تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.